

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش .....	۹
۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی .....	۹
۲-۱- کلید واژه‌ها .....	۱۳
۳-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق .....	۱۴
۴-۱- اهداف تحقیق .....	۱۶
۵-۱- اهمیت و ارزش تحقیق .....	۱۶
۶-۱- کاربرد نتایج تحقیق .....	۱۶
۷-۱- فرضیه‌ها (در صورت لزوم) یا سؤال‌های تحقیق .....	۱۶
۸-۱- روش تحقیق .....	۱۷
۹-۱- ابزار گردآوری داده‌ها .....	۱۷
۱۰-۱- ابزار تجزیه و تحلیل .....	۱۷
۱۱-۱- محدودیت‌های پژوهش .....	۱۸
۱۲-۱- سازماندهی پژوهش .....	۱۸
فصل دوم: چارچوب نظری: هویت ملی، امنیت ملی .....	۲۱
مقدمه .....	۲۱
۱-۲- امنیت .....	۲۲
۲-۲- نظریات روابط بین‌الملل و جایگاه هویت در هر یک از این نظریات .....	۳۶
۳-۲- هویت روسی .....	۴۶
۴-۲- نظریه سازهانگاری در سیاست خارجی روسیه .....	۴۹
نتیجه‌گیری .....	۵۱
فصل سوم: نقش نهادهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی روسیه در قبال اتحادیه اروپا .....	۵۳
مقدمه .....	۵۳
۱-۳- بخش اول: سیاست خارجی فدراسیون روسیه .....	۵۴
۲-۳- بخش دوم: روسیه و اتحادیه اروپا؛ فرصت‌های مشترک .....	۸۳
صادرات .....	۹۵
صادرات .....	۹۸
واردات .....	۹۹
نتیجه‌گیری .....	۱۰۰
فصل چهارم: روسیه و اتحادیه اروپایی: استراتژی متقابل انرژی .....	۱۰۳
مقدمه .....	۱۰۳
۱-۴- ذخایر نفت و گاز روسیه و اروپا و منطقه آسیای مرکزی .....	۱۰۴

۱۱۱.....	۲-۴- رشد مصرف انرژی اروپا در موارد مختلف
۱۱۶.....	۳-۴- منابع تأمین انرژی اروپا
۱۲۳.....	۴-۴- سیاست‌های انرژی روسیه
۱۴۱.....	۵-۴- خطوط انتقال انرژی
۱۵۳.....	نتیجه‌گیری
۱۵۵.....	<b>فصل پنجم: چالش‌های روسیه در قبال اتحادیه اروپا</b>
۱۵۵.....	مقدمه
۱۵۶.....	۱-۵- چالش‌های هویتی
۱۵۹.....	۲-۵- چالش‌های سیاسی
۱۷۷.....	۳-۵- چالش‌های امنیتی
۱۹۱.....	عامل فرهنگی- دینی
۲۰۱.....	۴-۵- چالش‌های اقتصادی
۲۱۳.....	نتیجه‌گیری
۲۱۴.....	نتیجه‌گیری پایانی
۲۱۷.....	<b>منابع و مأخذ</b>
۲۱۷.....	کتاب‌ها
۲۲۱.....	مقالات فارسی
۲۲۶.....	مقالات اینترنتی فارسی
۲۳۰.....	مقالات

### ۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی

خط راهبردی سیاست خارجی شوروی به وسیله خصلت روابط بین اتحاد شوروی و ایالات متحده و رقابت جهانی آنها تعیین می‌شد. به عبارت دیگر روسیه مانند سابق به جهان اگر نه با چشم آمریکایی‌ها، حتماً با چشم کارشناسان آمریکایی امور سیاسی می‌نگریست. بنابراین رقابت بین روسیه و آمریکا در آینده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این رقابت شامل حال کشورهای حاشیه غربی اوراسیا نیز خواهد شد. با وجود خطراتی که نتیجه نفوذ عامل آمریکایی در روندهای سیاسی اروپا و حاشیه غربی اوراسیا می‌باشد. در حال حاضر روسیه نمی‌تواند بدون همکاری با ایالات متحده وارد ساختارهای سیاسی و اقتصادی اروپا شود (زادوخین، ۱۳۸۴). سیاست خارجی می‌تواند دارای مؤلفه‌های گوناگونی باشد بسته به این که یک کشور در چه شرایطی و یا بر اساس چه ضروریاتی دست به تدوین سیاست خارجی می‌زند مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تصمیم‌گیری در سیاست خارجی با توجه به اولویت‌ها دچار تغییراتی می‌گردد. روسیه در تدوین سیاست خارجی خود با اتحادیه اروپا به مؤلفه‌های اقتصادی بیشتر توجه می‌کند زیرا در مجموع سیاست خارجی روسیه با هدف بدست‌آوردن موقعیت جهانی تدوین شده است و با توجه به این که توسعه اقتصادی در این راستا برای روسیه مهم است، بستر کلی سیاست خارجی روسیه بر گسترش روابط اقتصادی خود با اتحادیه اروپا برای داشتن فرصت دوباره‌ای به عنوان یک قدرت بزرگ بسیار مهم و حائز اهمیت است.

بر همین اساس در سیاست‌های کلی روسیه در قبال اتحادیه اروپا سیاست خارجی روسیه در جهتی حرکت می‌کند که بتواند بسترهای توسعه مناسباتی با اتحادیه اروپا را مخصوصاً در حوزه اقتصادی گسترش دهد. بنابراین بعد از جنگ سرد توازن بین استراتژی نظامی و

اولویت‌های اقتصادی به سمت یک رویکرد اقتصادی همراه با بازار تغییر پیدا کرده است. اگر چه که قدرت‌های بزرگ به صرف هزینه‌های زیادی بر روی مسائل دفاعی خود اختصاص داده‌اند. اما بنیان قدرت در دنیای کنونی اقتصادی است. روسیه برای مدت‌های طولانی اولویت‌های سیاست خارجی‌اش بیشتر در حوزه امنیتی و ژئوپلیتیکی مطرح بوده است. اگر چه که در زمان گورباچف ویلتسین کرملین اعلام کرد که از این به بعد درصدد توسعه ثروت ملت و رفاه زندگی بهتر شهروندان خودش است اما به نظر می‌رسید که در ابتدای امر این موضوع امری صوری بود. در طول دهه ۹۰ دولت یلتسین همچنان صحبت از توازن قوا و بازی حاصل جمع صفر می‌کرد و یک عدم توافق با غرب بر سر توسعه ناتو، موشک‌های دفاع استراتژیک آمریکایی و قضایای کوزوو در تفکرات ژئوپلیتیسین‌های روسی جای داشت. اما سیاست‌های که توسط پوتین در ابتدای سال ۲۰۰۰ اتخاذ شد بیشتر جنبه اقتصادی داشت اگر چه دستاوردهای اقتصادی خارجی این دوران زیاد نبود. اما عضویت در «جی ۷» که بعد تبدیل به «جی ۸» شد. کلوب پاریس، اپک، نشان داد که روسیه درصدد مشارکت در اقتصاد جهانی شده است. ایده استفاده از سیاست خارجی برای هموار کردن زمینه جهت محقق ساختن اهداف داخلی بر می‌گردد و روسیه دهه ۱۹۸۰ زمان گورباچف که این ایده در زمان پوتین دوباره به شدت مطرح می‌گردد و روسیه در فکر ایجاد یک رویکرد اقتصاد بازار آزاد است. و در همین شرایط است که سیاست خارجی روسیه با جهت‌گیری‌های اقتصادی‌تر نسبت به اتحادیه اروپا سعی در توسعه اقتصادی با اروپا، درگیر شدن در مسائل بین‌المللی و بدست آوردن موقعیت برتری در عرصه جهانی است. بنابراین روسیه سعی می‌کند. با گسترش زمینه‌های همکاری در حوزه‌های اقتصادی سیاسی به این اهداف دست پیدا کند که با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی روبرو است. تلاش پوتین در جهت همگرایی با اروپا برای رسیدن به اهداف اقتصادی است. پوتین فکر می‌کند توازن با اروپا می‌تواند توازن سیاست خارجی روسیه را در قبال آمریکا افزایش دهد. بنابراین اهداف ژئوپلیتیکی با رنگ و لعاب ژئواکونومیک برای پوتین مطرح می‌باشد. از نظر پوتین بین توانایی اقتصادی و اهداف استراتژیک رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد (Gower, ۲۰۰۸: ۱۶۱-۱۶۷). توجه پوتین به موضوع انرژی و موقعیت محوری در این زمینه پیچیدگی‌هایی را برای سیاست خارجی روسیه به همراه آورده است. وابستگی اروپا به مسکو در رابطه با انرژی مخصوصا گاز و دیگر منابع مثل

تقویت برق باعث شده که مسکو به اروپا به شکل جدیدی نگاه کند و انرژی را وسیله‌ای برای نزدیکی بیشتر به اروپا جهت ایجاد فضای توازن قوا و تصور کردن یک دنیای چند قطبی قرار داده چرا که اروپا نیز به منابع انرژی روسیه نیازمند است. البته این همکاری‌ها به اقتصاد محدود نمی‌شود بلکه ابعاد امنیتی، سیاسی و تمدنی را هم در بردارد. همکاری در زمینه انرژی با اروپا می‌تواند موجب روابط بهتر روسیه- ناتو و روسیه اروپا شود و به دیگر جنبه‌های مبارزه مسکو برای هم‌گرایی تبدیل شود. در واقع پوتین از ژئوپلیتیکی کردن سیاست خارجی استفاده می‌کند تا پیروزی‌های اقتصادی را به سرمایه سیاسی و استراتژیک تبدیل کند. البته بحث ارزش‌های مشترک با اروپا با مطرح کردن بحث انرژی راحت‌تر قابلیت طرح می‌یابد. اجلاس سران اروپا- مسکو در ۲۰۰۵ در مسکو نقشه راهی را پذیرفت که در بلند مدت فضای مشترک اقتصادی، آزادی، عدالت و تحصیل و فرهنگ را بوجود می‌آورد. بحث رقابت اروپا و روسیه در CIS<sup>۱</sup> موضوعی است که روسیه به شدت خواستار توافقات استراتژیک با EU<sup>۲</sup> است (Flennley, ۲۰۰۸: ۱۹۰-۱۹۷) بنابراین برای میان مدت ۲ گزینه برای روابط روسیه و EU وجود دارد. اول شکلی از روابط استراتژیک بین روسیه و EU که می‌تواند ورود به اتحادیه اروپا را برای روسیه تسریع کند. دوم شکلی از همکاری نسبی دو مرکز قدرت مستقل که هم‌گرایی رسمی نداشته باشند اما می‌توانند هم‌گرایی در تدوین قوانین دو طرف را داشته باشند. در هر صورت هم‌گرایی اروپا با روسیه می‌تواند گزینه‌های اروپا را برای توازن قوا در صحنه جهانی افزایش دهد و منافع اقتصادی بیشتری را برای EU فراهم آورد. همچنین می‌تواند تنوع منابع تأمین انرژی را برای اروپا فراهم سازد (Hadfield, ۲۰۰۸: ۲۳۵-۲۳۰). در سطح منطقه‌ای روسیه در ابتدای امر از صحنه اروپای غربی و آسیا در رابطه با هم‌گرایی اقتصادی کنار گذاشته شد. اما روسیه به سرعت به این سمت کشیده شد که در جهت یک مشارکت استراتژیک با اتحادیه اروپا و همچنین مشارکت در اپک بر آید. بنابراین روسیه در دوران پوتین با توجه به عمده کردن مؤلفه‌های اقتصادی در سازماندهی سیاست خارجی خود اولویت را به اهداف اقتصادی سیاست خارجی اختصاص داد. در همین دوران است که به موافقت‌نامه همکاری و

۱. Commonwealth of Independent States

۲. European Union

عضویت در اروپا می‌پیوندد، در این رابطه اروپا نیز در جهت ایجاد همکاری استراتژیک با روسیه است و سولانا می‌گوید مهمترین مسئله برای اروپا در قرن ۲۱ مشارکت استراتژیک با روسیه و وارد کردن روسیه در فضای اروپا است (۵۷-۵۶: ۱۰،۲۰۰۳). اروپا درصدد بوجود آوردن منطقه تجارت آزاد با روسیه به شکل واقعی‌تری است و روسیه هم مایل به طرفداری اروپا در عضو شدن روسیه در سازمان تجارت جهانی است. در زمینه مشارکت استراتژیک بین روسیه و اروپا ۴ زمینه ذکر شده است که عبارتند از تحکیم دموکراسی، حاکمیت قانون و نهادهای مدنی، هم‌گرایی روسیه به فضای اقتصادی و اجتماعی اروپا و تقویت ثبات و امنیت در اروپا و خارج از اروپا در رابطه با تهدیدات قاره اروپا است. این موارد در مفاد کمیسیون اروپا که در سال ۱۹۹۹ منتشر شده ذکر گردید (۵۷-۵۶: ۱۰،۲۰۰۳). در این بین روسیه قطعاً با مشکلاتی نیز روبرو خواهد بود و همچنین فرصت‌هایی را در پیش روی خود دارد.

بنابراین در این پایان‌نامه ما به دنبال بررسی روابط روسیه با کشورهای اروپایی هستیم که با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی روبرو است و همچنین چرایی این روابط را با کندو کاوی در سیاست خارجی روسیه در زمان پوتین بررسی خواهیم کرد.

فرضیه اصلی این است که روابط نزدیک روسیه با اروپا در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به روسیه کمک کند تا تأثیرگذاری بیشتری به عنوان یک بازیگر قدرتمند در ساختار نظام بین‌الملل ایفا کند.

چارچوب تئوریک در این پژوهش هویت و امنیت ملی می‌باشد. هویت و امنیت دو سطح دارای تأثیر متقابل هستند که جهات و گرایش‌های سیاست خارجی روسیه را تعیین نموده و می‌نمایند (زادوخین، ۱۳۸۴: ۲۷). روسیه از جهت جغرافیایی در فضای اوراسیا قرار گرفته است. به تناسب، گرایش ملی جامعه روس دارای سمبل‌هایی است که در روند رشد تاریخی روسیه در فضای مذکور (اوراسیا) شکل گرفته‌اند. بنابراین روس‌ها مجبورند بین هویت و امنیت ملی ارتباط برقرار کنند (گریتس، ۱۹۷۳: ۴۴). به عبارتی هدف اصلی در امنیت ملی فراهم آوردن امکانات، مقررات و شرایطی است که بتوان به خوبی از منافع حیاتی کشور حراست نمود. (روحانی، ۱۳۸۵: ۱۷).

## ۱-۲- کلید واژه‌ها

۱-۲-۱- **سیاست خارجی (Foreign policy):** سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. (پلینو و آلتون، ۱۳۷۹: ۱۰-۶). به طور خلاصه سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین‌المللی از سوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد.

۱-۲-۲- **هویت (Identity):** کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن است در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است. بدین سان بین اندیشه‌هایی که در جهت تداوم وضع موجود به کار می‌آیند و اندیشه‌های رؤیایی که در دنیای دیگر و متمایز از وضع موجود را در اندیشه متبلور می‌سازد، می‌توان تمایز قائل شد. که تنها منحصر به طبقات حاکم نیست بلکه هر طبقه مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، آیین‌ها، مرام‌ها و آرمان‌ها دارد. (عباس زاده، ۱۳۸۴)

۱-۲-۳- **هویت ملی (National identity):** عبارت است از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها به طور همزمان به گزینش‌های عقلانی قوام می‌بخشند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل‌اند که به آن‌ها شکل می‌دهند. از دید سازه‌انگاران هویت‌ها منافع را شکل می‌دهند و منافع نیز سرچشمه رفتارها و اقدامات هستند، از این رو، دولت‌ها دارای مجموعه‌ای از منابع بر مدار و متن شرایط اجتماعی نیستند، بلکه منافع خود را در روند تعریف موقعیت‌ها و نقش‌هایی که بازی می‌کنند، تعریف نموده و از میان رفتن یا شکست در آن وضعیت‌ها، نقش‌ها را دچار مشکل ساخته و منافع را نامعلوم می‌سازد. (ونت، ۱۳۸۴: ۳۵)

۱-۲-۴- **امنیت ملی (National security):** تعریف سنتی و محدود از امنیت ملی، بر مطالعه تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی تأکید می‌ورزد. (Buzzan, ۱۹۹۱: ۴-۱۰) در حال حاضر امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسؤولیت‌های حکومتی

است. تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان و خود ممانعت به عمل آورد. (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۵ و ۵۱).

### ۱-۳ - پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

نوری (۱۳۸۶)، در مقاله خود تحت عنوان «تحول رویکردها در سیاست خارجی روسیه، عمل‌گرایی روسی» به این موضوع می‌پردازد که ولادیمیر پوتین همزمان با ارتقای قدرت کشورش در نظام بین‌الملل همواره به الزامات ناشی از یک سیاست خارجی عمل‌گرایانه معتقد بوده است. وی با قبول جایگاه و توانمندی‌های دقیق به باز تعریف هویت روسیه در این نظام اهتمام ورزیده است. عمل‌گرایی پوتین در واقع‌بینی او در پذیرش واقعیت‌های ناخوشایند ناشی از کاهش منابع روسیه و واکنش مناسب به تحولات بین‌المللی از طریق انتخاب اهداف و سازوکارهای متناسب با توانمندی‌های موجود خلاصه می‌شود. سیاست خارجی عمل‌گرایانه پوتین، پویا، چند بعدی و حاکی از درک راهبردی اهمیت انعطاف‌پذیری در سیاست خارجی است.

یاوریان (۱۳۸۴)، در کتاب خود تحولات سیاست خارجی روسیه و مسئله غرب سیاست خارجی روسیه جدید را پس از فروپاشی تا سال ۲۰۰۵ مورد ارزیابی قرار داده است. کتاب شامل مقدمه، پنج بخش و ضمیمه و سند است. فرضیه نویسنده آن است که منشاء مشکلات سیاست خارجی روسیه، ناشی از بحران هویت دولت روسیه است. بخش اول کتاب مباحث نظری سیاست خارجی را مورد بررسی قرار داده است. بخش دوم به شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه پرداخته است. بخش سوم هویت دولت روسیه را مورد ارزیابی قرار داده است. سیاست خارجی روسیه در مقابل غرب موضوع بخش چهارم است. در فصل پنجم، به این نتیجه رسیده است که بحران هویت در روسیه، تعریف منافع ملی و پیگیری آنها را با مشکل روبرو نموده و باعث بوجود آمدن رفتارهای متناقض و متعارض شده است.

پورآخوندی (۱۳۸۴). در مقاله خود با عنوان «روسیه بین شرق و غرب، بررسی سیاست خارجی روسیه در آستانه قرن بیست و یکم» بررسی می‌کند که در طول تاریخ روسیه پس از هر